

الكتاب اسماعيل

آى همه هستى زتوپيدا شده
زيرنشين علمت کاینات خاک ضعيف ار تو توانا شده
ما بتو قايم چوتو قايم بذات

حمد نامتناهی و سپاس بیرون از حد تناهی پادشاهی
را جل شانه سزاست که رقم فرخنده
توقيع حجت کبیریا و جلال اوست و نفس سعادت بخش
خیل وثیقه عزت و اجلال اولک
الحمد يا ذا الجود و المجد و العلی تبارکت تعطی من تشاء
و تمتع فعلات صلوات فامنات و هدایای تحایای زاکیات
رسالت پناهی را رواست که ملّش ناسخ ادیان و ملل و [منذهب]ش
ناقص مذاهب و نحل است آنکه حضرت مسیحنا علیه التحیة و
الثنا مبشر تشریف نبوت اوست و حضرت [ابوال]بشر صلوات
الله علیه و علی الابنیاء من نبیه مباھی ببنیت بنوت او

عیسی زمقدم تو بایام مژده داد
وزیمن آن سخن نفسش جان بمرده داد

و آل اطهار و عنترت اخبار او را سزد که در اری روح
و عظمت و تمامت و نجوم آسمان ولايت و کرامتند علیهم سلام
الله ما طلع شارف و لمع ...

سگر بپرسد ز آسمان بالفرض
بر زبان کواکب و انجم هیچ لفظی نباید الهم

وبعد غرض از تحریر این کلمات صحیحة المعانی و
مقصود از تنبیق این مقدمات شرعیه المبانی آنست که در
مبادی عهد سلطنت همایون و روز مبارک جلوس خلافت
روز افرون اعلیحضرت شاه دین پناه فلک بارگاه انجم سپاه
فریدون استباہ جمجاه معدلت دستگاه ظلّ الله فرازنده رایات
سروری فروزنده چراغ نصف کستری مرّوج مذهب اثناعشری
خلیفه خاندان حیدری سیدالسلطین فی الافق مالک ارائک
العظمة و الحشمة بالارث و الاستحقاق الداعی إلى طریق الحق
والسداد المتمكن علی مسند الهدایة و الارشاد ما حی رسوم
الجور و العدوان رافع الويه العدل و الاحسان مطلع اعظم
الملوک فی هذا الزمان

آفتتاب سایه کستر سایه لطف خدای
زبدۀ ارگان و انجم حاصل کون و مکان

السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان
ابن الخاقان [اسماعیل] الموسوی الحسینی بهادرخان حاضر
شد در مجلس شرع شریف و محفل دین منیف دولتماب
سعادت ایاب توفیق آثار ستوده اطوار مراد بیک جدیدالاسلام
جولاهی مشهور بین الجمیور و بفروخت در حالتی که حایز بود
ازو تصرفات شرعیه و نافذ بود معاملات دینیه بجماعت معینه
ذمیه مغرنیه و هم کدخدای کرکور بن الوند و اخیرجان بن
اسفندیار از محله وسطی مغری من اعمال قهانات و کدخدای

الله قلی بن باباقلی از محلهٔ کبری موضع مذکور و از ریا
کشیش بن نوشیراز محلهٔ صغیری موضع مذکور و ایشان نیز
خریدند بوجه شرع انور از بایع مشاربیه جمیع آنچه را
که حق و ملک طلق خاص خالص بایع مذکور بود تا ورود
این مبایعه و از اعلیحضرت خاقان جنت مکان فردوس نشان
علیین آشیان رضوان مصیر بهشت مسیر طوبی سریر قدسی ذات
قدوسی صفات انصار الله برهانه و جعل فی جوار اجداده
الطاهرين مکانه که مالک شرعی آن بودند بهمومی اليه انتقال
یافته بود و آن تمامی و همکی قریئه مدعوه بمغری است من
اعمال فیانات مذکوره من توابع آذربیجان محدود بشط ارس
و بسنگ مدعو سنگ تخته کار و بکوه کازیان و مزرعه کهرام
صاحبی و خاج شکسته و قلعه عرضات متصل شط ارس و بجبل
کابل متصل شط مذکور با همه توابع و لواحق و مضافات و
منسوبات و اراضی و صحاری و باغات و مزارع و تلال و اودیه
و ابنیه و عیون و انهار و جداول و مجاري و مرابط و مرابض
و کل حق یتعلق بها یلحق اليها داخلاً فیها او خارجاً عنها
یمبلغ سیصد و شانزده تومان تبریزی فضی رایج الحال که
هر هشتاد دینار از آن عبارتست از یکمثقال نقره مسکوک
بمثقال صرافی نصفه تا کیداً للالصل و تبیناً للسکل یکصد و
پنجاه و هشت تومان از نقد موصوف و اعتراف صحیح منفذ
مشروع نمود بایع موصوف بازکه قبض نمود ثمن معقود عليه
منعوت را بالتمام و الکمال باقیاض مشتریان مذکورین فبضاً
شرعيماً حقيقیماً لارسمیماً بحیثیتی که بری الذمّه کشته اند از
آن کلاً و بعضًا برآءة شرعیه و اسقاط دعوی غبن و خیار آن
و ان کان فاحشاً نمود بعد علمه بمعنى الغبن و الاسقاط و

كمية القيمة و كيفيتها اسقاطاً شرعاً بعد ذلك معتبراً بذلك مذكوراً مبتعداً عن مذكورون كه ابتداء نموده اند مبيع مذكور را باصالت خود و بوكالت ساير رعایاء معینه محصوره موضع مذكور و ثمن از خالص مال خود و ایشان داده اند و البوم مبيع مذكور مشترک است میانه ایشان و باقی رعایاء مذکور و هر کدام مالک آنچیز اند که در تصرف دارند و منسوب و معروفت باسم ایشان و متمیز است بینهم از حصة اخري و حصة هر یک مفروزو مشخص است و بنابر تفرد باسم مالک غنی است از تحديد و توصیف اما مشتریان اوّلان اصیل بودند از جانب خود و وکیل بودند از قبل ساير رعایاء محله وسطی بادعائهما و اعتراضهما و مشتری ثانی اصیل بود از قبل خود و وکیل از جانب باقی رعایاء محله کبری بزرعه و مشتری ثالث اصیل بود از جانب خود و وکیل از ساير جماعت محله صفری آگنون جميع مبيع مزبور باهمه حدود و حقوق حق و ملك و مال خالص مشتریان و شرکاست و هر یک از کدخدایان و رعایاء مذکوره راست استحقاق تملک و تصرف در حصة متعلقة بدو بهر نوع که خواهد و بهر طریق که اراده نماید و من بعد بایع مذکور را در آن با ایشان حق و دعوی نیست بوجهی از وجوه و سببی از اسباب و بذلك کله وقع الاشهاد و على الله سبحانه و تعالى التوکل و الاعتماد و كان ذلك في السابع والعشرين من شهر جمادی الاول سنہ اربع و ثمانین و تسعمايه الهجريه النبویه و الحمد لرب العالمين و الختم بالصلوة على نبیه و آله الطاهرين

كتبه الفقیر الى الله الغنى
عبد الله الخوئي عفى عنه

حسبى و بقى الله تعالى

در خدمت خدام سيد المحققين سيد المدققين وارث علوم
الأنبياء و مرسلين خاتم المجتهدين شرفا حسنيا حسينيا ابده الله
على ... بايع طابع راغب مشار اليه فى الكتاب ذا من المبداء الى
المنتهى حسبها رب و برب فى مطاوه و حرر و سطر فى فحاوى
[اعتراف] صحيح صريح شرعى نمود اعترافاً صحيحأً شرعياً
معتبراً فى الشرع الشريف و الدين المنيف و كان ذلك فى
السابع من ...

اعترف البايع المزبور فى هذا المسطور بذلك طوعاً و
رغبةً فى حال الصحة و الاختبار بلا اكراه و اجبار لدى العبد
الفقير افقر فقرا الحى حسن بن على بن طى

—نقش مهر —

افقر فقرا الحى حسن بن على بن طى

هو الله حسبى

سمعت الاعتراف عن البايع المعرف فيه بصحة المبايعة
المحكية من فيه و ضرب شاهداً على اعترافه و انا العبد الفقير
المتوسل بشفاعة النبى و الوصى ابن محمد قاسم محمد ابراهيم
الطوسى عفى عنه

[مهر]

اعترف البايع بجميع ما اشهد الدين فيه بمحضرى العبد
الاقل عبد الله انصارى بن ... على الخوئى

هو - اعترف البائع المذكور على الوجه المسطور بمحضر
العبد الاقل محمد باقر بن محمد زمان

- نقش مهر -

... الملك المنان محمد باقر بن محمد زمان - ٩٧٤

هو الله حسبي

بهر و لاح مضمونه على الوجه المسطور لدى. حر.ه العبد
الاقل ابن شاهمير افخان

- نقش مهر -

بنده شاه نجف افخان - ٩٧٢

شهد بما فيه ابن افتخار شر لوطى، ميرزا خان مشهور بفكري
عفى عنه

من الشاهدين على مضمونه العبد جعفر بن محمد ... مين
عفى عنهم

ذلك الكتاب لاريء فيه. حرره العبد الاقل محمد بن
جعفر ... مين عفى عنهم

[مهر]

الشاهد على مضمونه العبد محمود بن على طبسى

[مهر]